

یادداشتی از دکتر علی شاه حسینی

اگر جرات دارید استعفا دهید...

۱

سرمستی کارمندی اگر از روی عشق نباشد، به زودی فروکش می‌کند و آن وقت است که هم خودمان را از لذت بردن محروم کرده‌ایم و هم کاری که انجام می‌دهیم، نمی‌تواند آن طور که باید و شاید اثرگذار و کارآمد باشد.

حتما شما هم افرادی را می‌شناسید که کارمند هستند ولی همواره حسرت اشتغال در بازار آزاد یا راه‌اندازی یک کسب و کار می‌خورند. گاهی اوقات هم بالعکس، معدود افرادی هستند که می‌گویند کاش ما هم کارمند بودیم و یک درآمد ثابت و مطمئن داشتیم و این همه استرس و بالا و پایین نداشتیم.

روی سخن با کارمندانیست که انرژی و انگیزه خود را همچون فنی فشرده نگه داشته‌اند و در سقف محدود کارمندی نمی‌توانند پرش داشته باشند و نمی‌توانند اوج بگیرند و بر فراز قله‌ها پرواز کنند و فرصت‌ها را شکار کنند.

همواره در چارویواری اداره شکوه می‌کنند که: «آخه این چه وضعیه؟»، «با این درآمد چه می‌توان کرد؟»، «فلانی هم سن من است ولی چون کار آزاد دارد، الان پولش از پارو بالا می‌رود» و...

۲

آقا و خانم کارمند، آیا واقعا اگر شما فعالیت خود را در بازار آزاد آغاز می‌کردید الان اوضاع تان بهتر از این بود؟ آیا شما ظرفیت تحمل نوسانات اقتصادی بازار را داشتید؟ آیا شما توان تحمل استرس‌ها و فشارها را داشتید؟ آیا می‌دانید کسانی که شغل آزاد دارند، مثل شما ساعت کار ندارند و ۲۴ ساعته حتی در خواب در اندیشه کارشان هستند؟ آیا می‌دانید آن‌ها مثل شما مرخصی ندارند؟ آیا می‌دانید یک خبر اقتصادی می‌تواند کسب و کار و درآمد آن‌ها را از ۱۰۰ به صفر برساند؟ در صورتی که شما مطمئن هستید که هر اتفاقی بیفتد شما آخر ماه حقوق و مزایای خود را دارید، شما حتی اگر بیمار هم شوید حقوق دارید و...

ولی آیا حق شما این قدر است؟ یعنی شما باید وقت خود را صرف کنید تا در ماه مثلا ۶۰ ساعت اضافه کار دریافت کنید؟ راستی ۶۰ ساعت اضافه کار شما معادل چند تومان می‌شود؟ می‌دانید صاحبان مشاغل آزاد در مدت ۶۰ ساعت چقدر درآمد کسب می‌کنند؟ چرا این قدر تفاوت؟ آیا آن کسی که از من و شما درآمد بیشتری دارد، از من و شما تحصیلات بیشتری دارد؟ خوش تیپ‌تر است؟ مسن‌تر است؟ پیشینه خانوادگی ثروتمندی داشته است؟

پاسخ به این سؤالات در بیشتر موارد «خیبر» است. پس تفاوت کجاست؟ شاید درون ماست، نوع نگرش ماست، قدرت برنامه‌ریزی، قدرت ریسک، نوع نگاه به خود و باورهای خود.

آقای محترم، خانم گرامی اگر کارمند هستید سعی کنید بهترین کارمند باشید و در سازمان خود اثرگذار باشید و لقمه حلال برای خانواده ببرید و اگر فکر می‌کنید پال و پرتان بسته شده و نمی‌توانید رشد کنید و هر روز خودتان را سرزنش می‌کنید که چرا این‌جا هستم و فکر می‌کنید لیاقت‌تان بیش از این است، پس منتظر این چرا نمانید که این چند سال هم بگذرد و بازنشست شوید

۳

و بعد دست به کاری بزنید. هشدار، هشدار، هشدار که در سنی که قرار است شما بازنشست شوید دیگر نه این انگیزه را دارید، نه این انرژی را دارید و نه این جرات را. پس امروز شروع کنید چرا که با این اقدام هم به خود خدمت کرده‌اید و هم به خانواده و هم به جامعه.

شاید شما همان کارآفرینی هستید که قرار است با ثروت‌آفرینی و اشتغال‌زایی کاری کنید کارستان، شاید شما همان بنده خاص خدا هستید که قرار است سفره‌ای پهن کند که صدها کارگر و کارمند روی آن سفره ارتزاق کنند. پس جرات داشته باشید، توسل کنید، توکل کنید و با برنامه پرواز کنید.

۴

اگر آماده پرواز هستید، یک لحظه صبر کنید، تیرها را تیز کنید و بعد اقدام کنید. ۱. قبل از پریدن محل فرود آمدن را مشخص کنید. اگر می‌خواهید استعفا دهید، اگر به درجه‌ای از جرات رسیده‌اید که پل‌های پشت سر را خراب کنید، ابتدا با مشورت گرفتن از اهل فن، طرح خود را روی کاغذ بیاورید و ببینید می‌خواهید کجا باشید و می‌خواهید چه شوید و می‌خواهید جایگاه‌تان نسبت به اکنون چه تفاوتی داشته باشد.

۲. درخواست کمک کنید. این باور غلط را فراموش کنیم که شراکت خوب نیست. ما انسانیم؛ پس به شریک نیاز داریم. کمک فکری، مالی، زمانی و فیزیکی دیگران می‌تواند ما را در دست‌یابی به موفقیت یاری کند. به شرط آن‌که اصول شریک‌گزینی را به فرموده پیامبر (ص) رعایت کنیم. الف: قرارداد مکتوب داشته باشیم.

ب: در هنگام معامله غریبه باشیم.

ج: در شراکت، شاهد اختیار کنیم.

۳. آمادگی مقابله با سخت‌ترین شرایط را داشته باشید. اگر چه ما انتظارمان از درگاه باری تعالی دستیابی به بهترین‌هاست؛ ولی آماده بودن برای مقابله با سختی‌ها می‌تواند ضریب موفقیت ما را افزایش دهد و مسیر را مطمئن‌تر طی کنیم؛ بنابراین بهتر است در رویا و خیال‌مان فقط یک مدینه فاضله نبینیم؛ بلکه سنگلاخ‌ها و گودال‌ها و پرتگاه‌ها را هم در نظر بگیریم. ولی یادمان باشد در دام تفکر منفی و بدبینی گرفتار نشویم؛ بلکه واقع‌بین باشیم.

۵

۴. به باور خودمان احترام بگذاریم. اگر مسیر درست است، اگر تصمیم به ضرر خلق خدا نیست، اگر حرکت خدایی‌ست پس درنگ نکنید، تا آخر بایستید و با روحیه‌ای همانند جنگنده‌ها پیش بروید، کوتاه نیایید و با کوچک‌ترین مشکلی تسلیم و ناامید نشوید و برای این‌که بتوانید به قله برسید، مسیر را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کنید و در حد وسع خود گام بردارید تا روز به روز قوی‌تر و آماده‌تر شوید. هیچ‌گاه تصمیم نگیرید یک شبه ره صد ساله را طی کنید. اگر هر ماه فقط ۱٪ به درآمد و پیشرفت خود اضافه کنید، می‌دانید پس از دو سال چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ۵. در اولویت‌بندی‌ها دقت کنید. یادمان باشد قرار نیست فقط در کسب و کار موفق شویم، بلکه خانواده، جامعه، اقوام، دوستان، سلامت جسم، سلامت روح، عبادت و... مواردی که اگر به آن‌ها توجه نکنیم، به زودی حسرت خواهیم خورد که کاش این را نداشتیم ولی آن را داشتیم.